L/154

P

23

VeryPDF Demo

VeryPDF Demo

Lawaih By
Muruddin Abd Rahman
Jami
BO XII
381

بسم الله الرحمن الرحيم

الاهی ثنا علیک ما کیف وکنه یعرو الیک ما

جلت عن ثنا احباب موسک ما لیف کمالیت عن نعتک ما

در تحمید و تسلیم ذات باری عز اسمه

خواهم اساس پرزبان مدح آلام و ستایش گرو می شمایم هر صبح و شام

کاینات از جنس اشیه وجامد کت همه بحکمت صنعت و کرمای تو

عاجزند از ذات و زبان ما چه آید در ثنا سپاس و ستایش را شاید

او حمانا ای خود کنه و کوهرش ذات او خود سفته نا عنه

انجا رسد کمال کرمای او بود ما عالم مدح لایق ثنای او بود ما

مارا رسد حد حمد و ثنای او بود ما هم حمد و ثنا و ستایش او سزای او بود ما

در نعت سید انام احمد محمد علیه الصلوة والسلام

چا یا کر زبان لودن الصح علم صحت لبد لحه وحضور اراد ای ش تو

عاجز شناخته هر حه نا لحه ایمان ما ل ش او هر لیشفیه را ا ر ک

چه یارای شخ ارا بلکه ایجا اظهار اعتراف یع و قصور عاص قصور ک

وبان سرور دی صنف دی معه مشارک حسن ارحس لعب قاد

نا عنه فرکستم از پره شما م پهر سم ما تا مهر سفا نش ی هوسم ما

در قافله لعت دا م نرسم ما این بس ا ر ز هو نا ک حرسم ما

[illegible] صلع محمد

[illegible] لای الرحمن حب [illegible] آنست [illegible]

[illegible] الله ع [illegible] ل [illegible] ا [illegible] ا [illegible] ا

دانایی او پیدا و ما گردان نه آلت جهالت و گمراهی محو و نیستی او پیدا و ما همه
لذات ما ذرات ما ما گمراه و ما ذلال ما ما ای اکرام تو ما و ما خجل ما ما ای
ذلت ما صحه یارب دل ما گمراه و حال ما گمراه ما ما ادب و کرم تو ما هم
در راه خود اول ما خجل ما ما و لاله چون ما خود خجل ما ما
یارب همه خلق تا ابد مدحت ما صحه ما ما در جمله جهان ما را نگون ما ما
روی دل ما صرف کن اگر جهد ما ما در عشق خود هم جهد و تکاپوی ما ما
یارب ز برای ما چه شود ما صحه ما ما یا هیچ دهی ما را هیچ ما ما
پس کرد اگر ما خشمگین ما ما یک کرد و کرم ما صحه ما ما
یارب تو ما را ما بیم ما ما در لغزش قهر تو دلم کردان ما ما
در راه طلب محکم دلم گردان ما ما زان ره نه روی تا بیم گردان ما ما

تنبیه ایراد مستنبط از مطالب ادراکیه معارف و معاش

بر الواح اسرار و لوامع انوار عرفان و اصحاب ذوق و وجدان لائح
بعد از لات لائحه مسطور و وجوه متصوره ایشان را در میان نهند

امراض و سقاط ما صحه ما ما چه لعل در کفت و ناصح حرمت صحه
تجلی نیست و بی خبر کرمش بخشد ما ما صحه
من هیچم و کم ز هیچ هم پس پی ما ما و هیچ و کم از هیچ بدید کی ما ما
هر سر را بر لاحقیقت کوم ما ما زان می بهی بحکمت ری ما ما
از عالم فرد انسانی اولی ما ما در قصه عشق نی زبانی اولی ما ما
از زمره نه اهل حق و اسرار الهی ما ما کس لایقی ز جمله اولی ما ما

سفتم کهی حمد خود و شکر کسان ما ما در جمله حدیث عالمیان ما ما
بیش ز همی همه دان معتمد ما ما لیز کلیب مدتش بمدان ما ما

لائحه ما جعلک الله رجل من قلبین فی جوفه حضرت محمد صلی الله
نعمت هست حاکم او در درون و جز بکمال بهاله ما در محبت او یکدلی ما ما
و از عرایض و عوض و در و مقبله نه لاکه مراد مقصد ما کی و بهر ما ما
در پی مقصد اولی ما صحه ما ما که لاکه مراد تا ثبات ما ما
ز هو چرا حجاب شد و بت مرا ما ما دل از پی اولی و لی نه مکث ما ما

یکدل دلاری لیک یکدوست نداری ۴ لایحه تو ره عبارت لذاتست دل را
بواسطه تعلق باو متعلقه الیکه یه وجمعیت دلرا بمرتبه انتباه واحد
پس نه جمع گمان کنند جمعیت در لسان است در تفرقه اند مانند
دو فرقه متعادی دالسند جمع لسان لزوم است در تفرقه اند ۴ رباعیه
ای دردل تو هزار مشکل نه ۴ مشکل شود اسوه تا دل ربعه ۴
چون تفرقه دلست حاصل زعمه ۴ دل لاجرم است پاره پاره یکسان نه ۴
رباعیه
تا دلم در تفرقه وسواسیه ۴ در مذهب ایمان حسن آلتاسیه ۴
والله در تفرقه هوا سیه ۴ تسنا سیه خود در جهل مکساسیه ۴
ای مالک ذوالنخ زهر مان ملکی ۴ جز راه وصول رب لکمان معولکی ۴
خم علک تفرقه است لسان است ۴ جمعیت دل رجمع لسان تحولکی ۴
رباعیه
ای دل طلب کمال در مدرسه چند ۴ تکمیل وصول و حکمت و مسئله چند ۴
هر فکر ز تو ذکر خدا وسوسه است ۴ نرمی رحد ابدزان وسوسه چند ۴

لایحه حق سبحانه و تعالی آنچه حاضرست و در رحمت ظاهر و باطن
همه ناظر بر حسابست تو دیده لذاتی لورد اشه بوی دیگری نکنی
و طیلی رضای لو کرداشه یله دیگری نسری رباعیه
آمد سحران در خوابی خبران ۴ گفت از تو خاطر ما یکان ۴
شرمت باد از ما روی بتان ۴ با هم و بهی چشم سوی دگران ۴
ما هم ز بلای عشق تو ان همه عمر ۴ وصل تو کجا و مهد جوانی عمر ۴
یک چشم زدن جمال تو ان ۴ بهر جمال خوبرو یان همه عمر ۴

لایحه مولای حق عزوجل در معرض زوالست و فنا خواهش
معلومیت عدم و صورتش محو لیست و هم در رو در بقا دارد و در نفوس
لمروزیست پا بعهد ات فرد لابدی صرفه فلم کشوفنام
لقیا در بست امال و اما ما چه دیده و دیده مصادر روح کاب فا
چه نهی دل لاهمه ریز و باضد اند و لاشمه یک و باضد او
همی لهو و باز و چهره ها لیش را ضاد ح حالکه بحر اشد رباعیه

VeryPDF Demo

VeryPDF Demo

VeryPDF Demo

VeryPDF Demo

پس اولی چند و چون و سه چیز باید و مدرک او الراجعة اوّل کردن

چشم سر در مشاهد جمال او حتی تتحیر الاحداقه کمال او ۱۲ عجه

یا مرهوا کمن یا الوح یحیر ۱۲ هم قوی و هم حکم تحیر قوی ۱۲ تحیر

خار سه چیز وجود قایم بوجود ۱۲ خار تو در وجود بسایح وسی یحیر ۱۲

پس بگیر ۱۲ فایع یشهی بکل ۱۲ کاملی ادل ۱۲

اصل همه لهها لزالی بگیر ۱۲ الحس صنعه و للسالی دل ۱۲

لایحه لفظ وجود را کاهی بمعنی تحقق و حصول و قایم مصدریه و معهود بکار برند

لفظ وجود در بارهٔ اجسام و اعراض و صفات و اضافات و مقولات تسعه که ممکنات اند

و در بارهٔ واجب تعالی و تقدس که واجب الوجود است و در بارهٔ ذوات مجرده

و صفات و اضافات و سلوب و اعدام و ملکات و اعتبارات و امور عامه و معقولات ثانیه

و ماهیات و حقایق و اعیان ثابته و غیر ذلک از اقسام موجود و ثابت و شیء

و غیر ذلک از اقسام معلوم و مفهوم و مذکور و مکتوب و مقروء و مسموع

و مقدور و مراد و مشتهی و مطلوب و محبوب و مرغوب و مرجو و مخشی و مخوف

و مکروه و مبغوض و مذموم و مسخوط و مرحوم و مرضی و ممدوح و محمود

و مشکور و مثاب و معاقب و معذب و مغفور و مستور و مکفر و مکفور

و مقبول و مردود و مستجاب و مدعو و مسئول و معطی و مرزوق و منعم

و منتقم و ناصر و مخذول و معین و مهین و عالم و جاهل و حاکم و محکوم

و مقدر و مدبر و مختار و مجبور و مطیع و عاصی و مکلف و مسلوب التکلیف

و مسلوب القدرة و مسلوب الاختیار و مسلوب العقل و مسلوب الحواس

و مسلوب الاعضاء و مسلوب الاجزاء و مسلوب الصفات و مسلوب الذات

و مسلوب الوجود و مسلوب الاسماء و مسلوب الاعیان و مسلوب الحقایق

و مسلوب الماهیات و مسلوب الاحکام و مسلوب الاعتبارات و مسلوب الامور العامه

و مسلوب المعقولات الثانیه و مسلوب المقولات التسعه و مسلوب الاضافات

و مسلوب السلوب و مسلوب الاعدام و مسلوب الملکات و مسلوب الاعتبارات

و مسلوب الامور العامه و مسلوب المعقولات الثانیه و مسلوب المقولات التسعه

و مسلوب الاضافات و مسلوب السلوب و مسلوب الاعدام و مسلوب الملکات

و مسلوب الاعتبارات و مسلوب الامور العامه و مسلوب المعقولات الثانیه

و مسلوب المقولات التسعه و مسلوب الاضافات و مسلوب السلوب و مسلوب الاعدام

و مسلوب الملکات

VeryPDF Demo

VeryPDF Demo

فضل و کرمت مستعلی بعرض ‌ ‌ هر کس ازهی لوعرضی ها ست لرو ‌ ‌

دارد زهی نوالی تو کس نیست عرض ‌ ‌ لایحه استعماء مستعلی لرمعید ناصر دارالست

فللاظهور اسماء الهیه در کثرتی ست بوهمی مقید لرحجاب است ‌ ‌ بحیه

ای عاشق روی و طلعم خوبان تو ‌ ‌ در طلعت و زلف مستعلی لوتو ‌ ‌

کز لامیه محمد فرزند ‌ ‌ ظاهر شود جمال محجوبان تو ‌ ‌

لایحه

بلامیه محجوب اول هیه طالب حق است

هیه محجوب اول مطلوب مطلب است در اسم ذات

طالب مطلوب اول هیه اسم است در رسم

صاحب دارالسر اول هیه اسم است در رسم

ذات مطلوب اول هیه طالب است در رسم

بحیه

اعتبار اول بحیه طالب است در رسم

حجاب اول بحیه طالب است در رسم

بحیه

بحیه اعتبار اول بحیه طالب است در رسم

بحیه

بحیه اعتبار اول بحیه طالب است در رسم

لایحه

بحیه اعتبار اول بحیه طالب است در رسم

بحیه

بحیه اعتبار اول بحیه طالب است در رسم

بحیه

بحیه اعتبار اول بحیه طالب است در رسم

بحی

VeryPDF Demo

VeryPDF Demo

آن امریست واحد مستمر کما یقول الاشاعرة فی تعاقب الامثال علی المحل
البعض من غیر خلو آن من شخص من البعض المماثل للشخص الاول فی ظن
الناظر انها امر واحد مستمر رباعیه بحریست نه کاهنده نه افزاینده
امواج برو روند و آینده عالم چو عبارت از همین امواج است
نبود دو زمان بلکه دوان باینده رباعیه عالم بود ار نه ز عبرت عاری
نهی جانب طورهای طاری و اندر همه طورها نهی جاری
سریست حقیقة الحقایق ساری لایحه اما خفای سوفسطائیه
آنست که جمع قولهم بالتبدل فی العالم متنبه نشده اند با آنکه یک حقیقت
متلبس میشود بصور و اعراض عالم و موجودات متعینه و متعدده میباشد
و ظهور نیست مر او را در مراتب کونی جز باین صور و اعراض
چنانکه وجود نیست اینها را در خارج بدون او رباعیه
سوفسطائی که از خود بیخبر است گوید عالم خیالی اندر گذر است

آری عالم همه خیالست ولی جاوید در و حقیقی جلوه گر است
لایحه و اما ارباب کشف و شهود می بینند که حضرت حق سبحانه و تعالی
در هر نفس متجلی است بتجلی دیگر و در تجلی او اصلا تکرار نیست یعنی در دو
آن بیک تعین و یک شان متجلی نمیگردد بلکه در هر نفس بتعین دیگر ظاهر میشود
و در هر آنی بشانی تجلی میکند رباعیه هستی که عیان نیست دوان در شانی
در شان دگر جلوه کند هر آنی این نکته بجو نکل بوم کی شان
گر بایدت از کلام حق برهانی لایحه و سر درین آنست که حضرت حق سبحانه
و تعالی را اسماء متقابله است بعضی لطفیه و بعضی قهریه و همه دایما در کار اند
و تعطیل بر هیچ یک جایز نه پس چون حقیقت از حقایق امکانیه بواسطه
حصول شرایط و ارتفاع موانع مستعد وجود گردد و رحمت رحمانیه او را
دریابد و بروی افاضه وجود کند و ظاهر وجود بواسطه لبس با آثار

VeryPDF Demo

VeryPDF Demo

VeryPDF Demo

VeryPDF Demo

VeryPDF Demo

VeryPDF Demo

VeryPDF Demo

MUK 79

VeryPDF Demo

VeryPDF Demo

VeryPDF Demo

THE UNIVERSITY OF MELBOURNE

Library Digitised Collections

Author/s:
Jm1414-1492.

Title:
Lavih

Date:
[17--?]

Persistent Link:
http://hdl.handle.net/11343/23264

File Description:
Lavih